



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۱/۱۵



داکتر د. جلال

عاملان اصلی انفجار اخیر ولایت قندهار کیها اند؟

با کمال تأسف از انفجار غم انگیز و بسیار سؤال برانگیز در مهمانخانه ولایت قندهار به تعقیب انفجارات دیگر در نقاط مختلف کشور از منابع ارتباط جمعی اطلاع حاصل نمودیم. مگر حادثه قندهار از چند جهت مشهود از سایر انفجارات فرق فاحش دارد.

اولاً اینکه طالبان از پذیرفتن مسؤلیت این انفجار انکار و اظهار بیخبری کرده، برعکس آنرا نتیجه اختلافات ذات البینی خود اعضای حکومت دانسته اند. در حالیکه طالبان قراریکه پالیسی و عملکرد آنها تا حال نشان داده که وقتی عملی را مرتکب شوند، مسؤلیت آنرا هم قبول می نمایند و قراری که دیده شد مسؤلیت حادثات کابل و هلمند را قبول نموده اند.

اگر قبول کنیم که طالبان واقعاً عامل اینکار بوده اند، باید معلوم شود، که چرا انفجار کابل و هلمند را قبول کردند، اما از دست داشتن در حادثه قندهار علناً انکار نمودند؟

اما اگر طالبان مسؤول این حادثه نباشند، پس سؤالاتی که در چنین حالات به صورت اتوماتیک به ذهن خطور می کنند، از این قرارند، که دیگر چه کسی یا کسانی و یا جریانات و حلقاتی می توانند یا می توانستند از چنین حادثه ای خونریز و ظالمانه بهره برداری نمایند؟؟؟

آیا واقعاً اختلافات ذات البینی مقامات داخل حکومت به حدی است، که باید حتماً یکی یا دیگری را از بین ببرند؟ کیها باید از بین برود تا برای کیها میدان ها بی رقیب شوند؟ قرار گزارشات مواد انفجاری درین مجلس در بدن کسی نه بلکه در یکی از چوکی ها و یا چند چوکی جابجا سازی شده بودند! جالب اینجاست که قوماندان صاحب امنیه درست سه دقیقه قبل از انفجار محل انفجار را ترک نموده، الحمدلله از حادثه صحیح و سالم بدر آمده اند، اما شخص والی همراه با سفیر امارات متحده عربی و یک تعداد مهمانان دیگر به شدت زخمی شده و یک تعداد دیگر هم جان باختند، که امید است در زمره شهداء محسوب شوند. اینکه محترم قوماندان امنیه چقدر شخص نماز خوان و پایند به سر وقت خواندن آن که به ذات خود از بهترین اعمال است، می باشند به کسانی معلوم باید باشد که با ایشان از نزدیک شناخت دارند، سؤال پیدا می شود که آیا معمول نیست که در جلسات رسمی جمهوری به اصطلاح اسلامی آنها با هیأت یک کشور مسلمان، وقفه نماز جماعت گرفته شود؟ در مورد اختلافاتی که بین والی قندهار داکتر محمد همایون عزیزی و قوماندان امنیه جنرال عبدالرازق خان بر سر عواید گمرکی ایجاد شده بود، سال قبل گزارشاتی در میدیا ها نشر شده اند. عمدتاً اینکه اشخاص وابسته به قوماندان امنیه لاری های تجارتنی را بدون دادن تعرفه رسمی عبور از سرحد، اجازه عبور داده و پول آنرا به جای تحویل در بودجه حکومت در جیب های خود تقسیم می کردند. اما والی برین پافشاری داشت که باید پول ها به صورت رسمی اخذ و به بودجه ولایت تحویل شوند. به این منظور هیأتی

فرستاده شده توسط والی، مسؤولین متخلف سرحدی را دستگیر و می خواستند به ولایت بیاورند، که در وسط راه توسط افراد قوماندان امنیت، خود هیأت دستگیر و دستگیر شدگان آزاد شدند.

آیا هدف سبوتاژ نمودن بازسازی و انکشاف ولایت قندهار است، یا اینکه کسی خواسته کشور امارات را کدام گوشمالی بدهد؟ یا اینکه سفیر بیچاره تنها ضایعه جانبی بوده هدف خود والی بوده باشد؟

تعداد اشخاص سرشناس و به درد بخوری که در ۱۵ سال اخیر در پیش چشم عوام به قتل رسیدند، اما نه قاتل تعقیب شده و نه هم کسی روی آن زیاد صحبت کرده کم نیست. نتیجه اینکه ادارات امنیتی کشور، خود یکی از عوامل مهم بی امنیتی می باشند.

مسأله بسیار مهم دیگری که در روزهای اخیر دسمبر در ولایت قندهار رخ داد، عبارت از جلسه بزرگ صلحی بود، که با اشتراک ۵۰۰۰ نفر افغان از اقشار و نقاط مختلف با افکار متفاوت اما داشتن هدف واحد و راسخ در قطع جنگ، از میان بردن زمینه های آن و آمدن صلح به مهمانداری مخلصانه والی محترم این ولایت و قوماندان امنیه آن ایجاد شده بود. در جمله مهمانان این جلسات که سه روز را در بر گرفت بر علاوه محمد نادر نعیم، نظر محمد مطمئن، داکتر فیض محمد خلاند، آقای زمان مزمل و هم آقای وحید مزده هم حضور داشتند، نظرات بسیار مثبت خود را هم در مورد فضای آزاد جلسه و هم در مورد برخورد و سخنان نیک مهمانداران هر یک محترم عزیزی والی و محترم عبدالرازق قوماندان امنیه، در زمینه ای قطع واقعی خونریزی و آوردن صلح نه تنها در سطح ولایت قندهار، بلکه در سرتاسر افغانستان در صفحات انترنتی بیان نموده اند.

باز هم سؤال پیدا می شود، که آیا قوماندان امنیه واقعاً از روی تصادف یا نیت نیک، سه دقیقه قبل از وقوع انفجار جلسه را ترک نموده و یا اینکه از موضوع اطلاع قبلی و دقیق داشته؟ آیا یک حلقه کوچک دست به چنین اقدام احمقانه و مفتضح زده و یا اینکه حلقات مهمتر داخل دولت با اشاره ای ولینعمتان دیگر عقب آن قرار دارند، و چرا؟

قراری که محترم نظر محمد مطمئن دو روز قبل در مضمونی مسأله آمدن تلفون ها و میسج های مرموز و مشکوک با نمره های داخلی ولی با شروع کودنیرهایی ایران و پاکستان به تلفون های اعضای هیأت صلح را گزارش داده و این احتمال قوی را خاطر نشان ساختند که حلقات مخصوص داخل حکومت و اداره امنیت قصداً در صدد آنند، تا با مشکوک جلوه دادن اعضای هیأت صلح و برابر ساختن زمینه هایی بهانه تراشی، مانع پیشرفت این پروسه شوند.

این نکته هم نمی تواند از نظر بیافتد، که شخص والی دارای تحصیلات عالی و تجربه کاری در داخل و خارج کشور می باشد. از روابط نیک با منتفدین و عوام مرکز و ولایات مخصوصاً قندهار و هرات برخوردار بوده و قرار گفته ای تحلیلگران به خاطر کارهای مثبت در آبادی شهر و تماس نزدیک و بی جنجال وی با مردم، از محبوبیتی نزد مردم برخوردار است، چنین اشخاصی می توانند که در وقتش، ان شاء الله کاندیدان معقول و قابل قبولی برای ریاست جمهوری مملکت هم باشند. بناءً احتمال دفع رقابت هایی تا این حد را نیز، اقلأ در دوره های بعد از رئیس جمهور فعلی، نمی توان به آسانی نفی کرد. والله اعلم

به هر حال، کسانیکه واقعا خیر و صلاح مردم و مملکت را میخواهند، با هر امکائیکه در دسترس دارند، نگذارند تا حلقات مرموز مغرض و مخرب هرآنچه را که داریم و مانده از ما بگیرند و بجای آن عوامل فاسد و مفسد بدنام و بدشانرا بر ملت تحمیل نمایند. حسنا الله و نعم الوکیل با احترام ۲۰۱۷/۰۱۱/۱۳

م. داود جلال